

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در المیادین انگلیسی

نویسنده: کیت کلارنبرگ

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: طاهر باختزی

۰۴ اپریل ۲۰۲۵

رسمی: جنگ اوکراین یک «جنگ نیابتی» بریتانیاست



کیت کلارنبرگ در **تحلیلی به بررسی تحقیقات نیویورک تایمز** می پردازد که نشان می دهد بریتانیا به طور عمیقی در جنگ اوکراین درگیر است و نقشی پنهان در تشدید این درگیری ایفا کرده است.

در ۲۹ مارچ، نیویورک تایمز تحقیقاتی تاریخی منتشر کرد که نشان می دهد ایالات متحده به شکلی «عمیقتر و گسترده تر از آنچه پیشتر تصور می شد» در نبرد اوکراین با روسیه درگیر بوده و واشنگتن تقریباً همیشه به عنوان «ستون فقرات عملیاتیهای نظامی اوکراین» عمل کرده است. این رسانه حتی اذعان کرد که این درگیری یک «جنگ نیابتی» است—واقعیتی انکارناپذیر که پیشتر در رسانه های جریان اصلی به شدت تکذیب می شد—و آن را «رقابت مجدد» جنگهای ویتنام در دهه ۱۹۶۰، افغانستان در دهه ۱۹۸۰ و سوریه سه دهه بعد خواند.

این که ایالات متحده از فبروری ۲۰۲۲ تاکنون حجم عظیمی از تسلیحات را به اوکراین تحویل داده و در برنامهریزی بسیاری از عملیاتیهای نظامی کوچک و بزرگ کیفی نقشی اساسی داشته، خبر تازه ای نیست. در واقع، بخشهایی از این

رابطه بیشتر به طور گسترده گزارش شده بود، و مقامات کاخ سفید گامبه‌گام به نقش واشنگتن اعتراف کرده‌اند. با این حال، جزئیات دقیق این کمکها که در تحقیق نیویورک تایمز فاش شده، بی سابقه است. برای مثال، یک «مرکز هماهنگی اطلاعاتی» مخفیانه در یک پایگاه بزرگ نظامی امریکا در المان ایجاد شد.

این مرکز با نام «گروه عملیاتی اژدها»، مقامات تمام آژانسهای اصلی اطلاعاتی امریکا و «افسران اطلاعاتی ائتلاف» را گرد هم آورد تا اطلاعات روزانه گسترده‌ای درباره «مواضع، تحرکات و اهداف» روسیه در میدان نبرد تولید کند و «مهمترین اهداف بارزش» را برای حمله اوکراین با استفاده از تسلیحات غربی شناسایی نماید.

این مرکز به سرعت به «دفتر پشتیبانی کامل جنگ» تبدیل شد. یک مقام اطلاعاتی اروپایی ادعا کرد که از «میزان درگیری هم‌تایان ناتو در زنجیره کشتار» این جنگ «شوکه» شده بود:

«نمونه‌های اولیه از این طرح، حمله‌ای علیه یکی از خطرناکترین گروه‌های رزمی روسیه، یعنی ارتش ۵۸ ترکیبی بود. در اواسط ۲۰۲۲، اوکراینی‌ها با استفاده از اطلاعات و هدف‌یابی امریکا، مقر ارتش ۵۸ در منطقه خرسون را مورد حمله راکتی قرار دادند و ژنرالها و افسران ستاد داخل آن را کشتند. بارها و بارها، این گروه در مکانی دیگر مستقر می‌شد؛ هر بار امریکائی‌ها آن را پیدا می‌کردند و اوکراینی‌ها نابودش می‌کردند.»

نیویورک تایمز همچنین فاش کرد که چندین حمله معروف اوکراین، مانند حمله پهپادی اکتوبر ۲۰۲۲ به بندر سواستوپول، کار گروه عملیاتی اژدها بوده است. علاوه بر این، این رسانه تأیید کرد که هر حمله هایمارس اوکراین کاملاً به ایالات متحده وابسته بود که مختصات و مشاوره درباره «جایگیری پرتابگرها و زمانبندی حملات» را ارائه می‌داد. اپراتورهای محلی هایمارس همچنین برای شلیک راکتها به «کلیدهای الکترونیکی ویژه» نیاز داشتند که «امریکائی‌ها می‌توانستند هر زمان غیرفعال شان کنند.»

با این حال، جالبترین بخشهای این تحقیق به نقش اصلی لندن در تأثیرگذاری و مدیریت اقدامات و ستراتیژی اوکراین— و به تبع آن امریکا—در این جنگ اشاره دارد. ارجاعات مستقیم و تلویحی پراکنده در متن به وضوح نشان می‌دهد که این «جنگ نیابتی» ساخته و پرداخته بریتانیاست. اگر آشتی بین مسکو و واشنگتن محقق شود، به معنای شکست چشمگیر در توطئه برنامه‌ریزی‌شده بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم خواهد بود که قصد داشت از قدرت نظامی و ثروت امریکا برای مقاصد خود بهره برداری کند.

«خرد غالب»

بخش قابل توجهی از تحقیق نیویورک تایمز به اجرای ضدحمله اوکراین در اگست ۲۰۲۲ علیه خارکف و خرسون می‌پردازد. با وجود مقاومت محدود روسیه در این مناطق، سرلشکر کریستوفر تی. دوناو، فرمانده امریکائی گروه عملیاتی اژدها، سرلشکر آندری کوالچوک، فرمانده میدانی اوکراین را تحت فشار گذاشت تا به پیشروی ادامه دهد و قلمروهای بیشتری را تصرف کند. کوالچوک به شدت مقاومت کرد، هرچند دوناو و دیگر مقامات ارشد نظامی امریکا والرئی زالوژنی، فرمانده وقت نیروهای مسلح اوکراین، را برای نادیده گرفتن این مقاومت تحت فشار قرار دادند.

پس از آن، این احساس در میان اربابان خارجی کییف که فرصتی طلایی برای وارد کردن ضربه‌ای سهمگین‌تر به روسها از دست رفته بود، فراگیر شد. بن‌الاس، وزیر دفاع وقت بریتانیا، با خشم از دوناو پرسید اگر کوالچوک زیردست او بود چه می‌کرد. دوناو پاسخ داد: «حتماً تا حالا اخراجش کرده بودم.» والاس مختصر گفت: «من رسیدگی می‌کنم.» به دستور مستقیم او، کوالچوک برکنار شد. همانطور که نیویورک تایمز توضیح می‌دهد، بریتانیائی‌ها «نفوذ قابل توجهی» در کییف داشتند و بر مقامات اوکراینی تأثیر مستقیم می‌گذاشتند.

این به این دلیل بود که «خلاف امریکائیا»، بریتانیا به طور رسمی تیم هائی از افسران نظامی را برای مشاوره مستقیم به اوکراین فرستاده بود. با این حال، علی رغم شکست کیف در بهره برداری کامل از فرصت مطابق میل لندن و واشنگتن، موفقیت ضدحمله ۲۰۲۲ منجر به «شور و اشتیاق غیرمنطقی» گسترده ای شد. بنابراین برنامه ریزی برای ضدحمله سال بعد «بلافاصله آغاز شد.» «خرد غالب» در گروه عملیاتی اژدها این بود که این ضدحمله «آخرین جنگ» خواهد بود و اوکراین به «پیروزی کامل» می رسد یا روسیه «مجبور به درخواست صلح» می شود.

زلنسکی در داخل ادعا کرد: «ما این جنگ را به طور کامل خواهیم برد.» برنامه این بود که نیروهای اوکراینی پل زمینی روسیه به کریمه را قطع کنند، سپس شبه جزیره را تصرف نمایند. اما همانطور که نیویورک تایمز گزارش می دهد، مقامات پنتاگون چندان نسبت به چشم اندازهای کیف خوشبین نبودند. این بدبینی در اپریل ۲۰۲۳ از طریق اسناد درز کرده پنتاگون به حوزه عمومی راه یافت. یکی از اسناد هشدار می داد که اوکراین در دستیابی به اهداف ضدحمله «به شدت کوتاه» خواهد آمد و حداکثر «پیشروی های محدود قلمروئی» را پیشبینی می کرد.

این ارزیابی اطلاعاتی درز کرده، این شکست را ناشی از «کمبودها» در «تولید و پشتیبانی نیروهای» اوکراین و استحکامات گسترده روسیه پس از عقب نشینی از خرسون دانست. این سند هشدار داد که «کمبودهای مداوم اوکراین در آموزش و تأمین مهمات احتمالاً پیشرفت را کند کرده و تلفات را افزایش می دهد.» نیویورک تایمز خاطر نشان می کند که مقامات پنتاگون همچنین «نگران توانائی خود در تأمین تسلیحات کافی برای ضدحمله بودند» و از خود می پرسیدند آیا اوکراینی ها «در قویترین موقعیت ممکن، باید به فکر توافق باشند.»

حتی سرلشکر دونا هو از گروه عملیاتی اژدها نیز تردید داشت و خواستار «توقفی یکساله یا بیشتر برای ساخت و آموزش تیپهای جدید» شد. با این حال، طبق گزارش نیویورک تایمز، مداخله بریتانیائی ها برای خنثی کردن مخالفت های داخلی با ضدحمله جدید در بهار کافی بود. آنها استدلال کردند که «اگر اوکراینی ها قصد حمله دارند، ائتلاف باید به آنها کمک کند.» در نتیجه، حجم عظیمی از تجهیزات نظامی پیشرفته و گران قیمت توسط تقریباً تمام اعضای ناتو برای این منظور به کیف ارسال شد.

ضدحمله سرانجام در جون ۲۰۲۳ آغاز شد. از روز اول، تانکها و سربازان اوکراینی زیر آتش بی امان توپخانه و پهپادها قرار گرفتند و همچنین به طور مرتب توسط میدانهای مین گسترده روسیه نابود شدند. در عرض یک ماه، اوکراین ۲۰ درصد از وسایل نقلیه و زرهی غربی اش را از دست داد، بدون هیچ دستاوردی. زمانی که ضدحمله در پایان ۲۰۲۳ به شکست انجامید، تنها ۰.۲۵ درصد از قلمروهای اشغال شده توسط روسیه در مراحل اولیه تهاجم بازپس گرفته شده بود. در همین حال، تلفات کیف ممکن است از ۱۰۰ هزار نفر فراتر رفته باشد.

«روی لبه تیغ»

نیویورک تایمز گزارش می دهد که «نتیجه فاجعه بار ضدحمله احساسات جریحه دار شده در هر دو طرف را برجا گذاشت»، واشنگتن و کیف یک دیگر را به خاطر این فاجعه سرزنش کردند. یک مقام پنتاگون ادعا می کند که «روابط مهم حفظ شد، اما دیگر آن برادری الهام بخش و قابل اعتماد سالهای ۲۰۲۲ و اوایل ۲۰۲۳ نبود.» با توجه به اصرار بریتانیا بر «ادامه جنگ اوکراین به هر قیمتی»، این اخبار ناامیدکننده بود و بیم آن می رفت که تمام حمایت های امریکا از جنگ نیابتی متوقف شود.

با این حال، به نظر می رسد لندن هنوز یک برگ برنده نهائی برای حفظ سرمایه گذاری واشنگتن در این جنگ نیابتی—و احتمالاً تشدید آن به یک جنگ تمام عیار با مسکو—در آستین دارد. نیویورک تایمز گزارش می دهد که در

مارچ ۲۰۲۳، امریکا متوجه شد کییف «در حال برنامه‌ریزی پنهانی برای یک عملیات زمینی به جنوب غرب روسیه است.» رئیس سیا در اوکراین با جنرال کیریلو بودانوف مواجه شد و به او هشدار داد «اگر به داخل روسیه نفوذ کند، این کار را بدون حمایت تسلیحاتی یا اطلاعاتی امریکا انجام خواهد داد.» با این وجود، بودانوف این کار را کرد، «اما مجبور به عقب نشینی شد.»

به جای بازدارندگی، این مداخله فاجعه بار اوکراین در منطقه بریانسک روسیه، «پیش درآمدی» برای تهاجم تمام عیار کییف به کورسک در ۶ اگست همان سال بود. نیویورک تایمز ثبت کرده که از نگاه واشنگتن، این عملیات «نقض قابل توجه اعتماد» بود. اولاً «اوکراینی‌ها بار دیگر آنها را در تاریکی نگه داشته بودند» — و بدتر این که، «به طور پنهانی از خطوط توافق شده دوطرفه عبور کرده بودند.» کییف از «تجهیزات تأمین شده توسط ائتلاف» در قلمرو روسیه استفاده می‌کرد، که «قوانین تعیین شده» هنگام مجوز حملات محدود به داخل روسیه در ماه‌های پیشین را نقض می‌نمود.

همانطور که این روزنامه نگار افشاء کرده، حماقت اوکراین در کورسک یک تهاجم بریتانیایی به تمام معنا بود. لندن در برنامه ریزی آن نقش محوری داشت، اکثر تجهیزات استفاده شده را تأمین کرد و عمداً مشارکت خود را علنی ساخت. همانطور که تایمز در آن زمان گزارش داد، هدف این بود که بریتانیا به عنوان یک طرف جنگنده رسمی در جنگ نیابتی شناخته شود، با این امید که سایر کشورهای غربی — به ویژه امریکا — از آن پیروی کرده و «تجهیزات بیشتری ارسال و به کییف اجازه دهند آزادی عمل بیشتری در استفاده از آنها در خاک روسیه داشته باشند.»

در ابتداء، مقامات امریکائی بشدت از هرگونه ارتباط با تهاجم به کورسک فاصله گرفتند. نشریه فارین پالیسی گزارش داد که دولت بایدن نه تنها از «مطلع نبودن» بسیار ناراضی بود، بلکه نسبت به «منطق نظامی» پشت این «ضد-تهاجم» نیز شک داشت. در یک توییت بیشتر، واشنگتن در ۱۶ اگست استفاده اوکراین از راکت‌های دوربرد استورم شادو ساخت بریتانیا را علیه قلمرو روسیه ممنوع کرد. گفته می‌شود جلب رضایت گسترده تر غرب برای چنین حملاتی نیز یکی از اهداف اصلی اشغال کورسک توسط کییف بود.

با این حال، پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری نومبر ۲۰۲۴، بایدن تشویق شد تا در «هفته‌های پایانی حضور» خود «دست به اقدامات عجله ای برای حفظ مسیر... و تحکیم پروژه اوکراین» بزند. به گزارش نیویورک تایمز، او در این فرآیند «از آخرین خط قرمز خود عبور کرد» و اجازه داد حملات ای‌سی‌ام‌اس و استورم شادو به اعماق خاک روسیه انجام شود، همزمان که به مستشاران نظامی امریکا اجازه داد کییف را ترک کرده و «به پست‌های فرماندهی نزدیکتر به خط مقدم» بروند.

اکنون که به امروز می‌رسیم، تهاجم به کورسک به فاجعه ای کامل انجامیده و معدود نیروهای اوکراینی باقیمانده — که اسیر یا کشته نشده اند — گریخته اند. در همین حال، عبور بایدن از خطوط قرمز در روزهای پایانی حضورش، نتوانسته توازن میدان نبرد را به نفع کییف تغییر دهد. همانطور که نیویورک تایمز تأیید می‌کند، این جنگ نیابتی اکنون «روی لبه تیغ موازنه می‌کند.» نمی‌توان دانست سرویسهای اطلاعاتی بریتانیا چه نقشه هائی برای جلوگیری از صلح دیرینه — که باید مدتها پیش محقق می‌شد — در سر دارند، اما عواقب آن می‌تواند جهان را تهدید کند.

۰۳ اپریل ۲۰۲۵